

## درس دوازدهم: تحلیل و بررسی توسط استاد ابولحسنی

### باتشکر از بررسی کامل و دقیق ایشان

#### تاریخ ادبیات:

#### یک (سنایی غزنوی):

۱. حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم شاعر و عارف معروف ایرانی در قرن ششم می زیست.
۲. در آغاز شاعری مداح بود ولی تغییر حال داد و به عرفان روی آورد.
۳. وی دوستدار آل علی (ع) بود.
۴. از آثار او می توان « حدیقه الحقیقه، سیرالعباد الی المعاد، کارنامه بلخ » اشاره کرد.

#### دو (ابوذر غفاری):

۱. در سال ۳۲ قمری وفات یافت.
۲. منسوب به قبیله « غفار » و از بزرگان صحابه پیامبر (ص). از مومنان صدر اسلام بود.

۳. پنجمین نفری است که اسلام آورده است.

### سه) روضه خلد:

۱. اثری است به نظم و نثر به تقلید از گلستان سعدی
۲. اثر مجد خوافی در قرن هشتم است.
۳. به تناسب مفاهیم و متن از آیات و احادیث و اخبار و ... استفاده نموده است.
۴. در ۱۸ باب نوشته شده است.

### شعر آغاز فصل

علم دین ، بام گلشن جان است / نردبان، عقل و حس انسان است

### حدیقه سنایی

قلمرو فکری: دانش و شناخت دین مانند بامی برای گلشن جان است ( باعث ارزش جان می شود و اوج کمالات روح و جان است.) و عقل و احساس انسان مانند نردبانی است که آنها را به مرحله بالاتری می رساند.

قلمرو زبانی: گلشن: گلستان، گلزار / نردبان: نردبام، نوردبان \* علم: نهاد / دین: مضاف الیه / بام: مسند / گلشن: مضاف الیه / جان: مضاف الیه / است:

فعل اسنادی \* نردبان: نهاد / عقل و حس: مسند / انسان: مضاف الیه /

است: فعل اسنادی \* گلشن، نردبان: ساده

قلمرو ادبی: علم دین مانند بام گلشن: تشبیه / جان مانند گلشن: تشبیه /

عقل و حس انسان مانند نردبان: تشبیه \* مراعات نظیر: عقل، جان، انسان

درس دوازدهم

پیام آور رحمت

اسلام، دینی جهانی است و پیام آور آن، حضرت محمد(ص)، رحمت و

سعادت برای جهانیان است. سخنان سرشار از حکمت پیامبر بزرگوار

اسلام، مرز مکانی و رنگ روزگار ویژه ای ندارد. طنین دلنشین کلام

ایشان، فراتر از جغرافیای فرهنگی تاریخ بشری است و جان های پاک،

پیوسته مشتاق شنیدن آن هستند.

معانی واژگان:

اسلام، دینی جهانی است و پیام آور (پیامبر) آن، حضرت

محمد(ص)، رحمت (مهربانی) و سعادت (خوش بختی) برای جهانیان

است. سخنان سرشار (پر و لبریز) از حکمت (دانش) پیامبر بزرگوار

(شریف و گرامی) اسلام، مرز مکانی و رنگ روزگار ویژه ای ندارد.

طنین (آهنگ و آواز، صدا) دلنشین (دلپذیر و خوش آیند) و کلام ایشان،

فراتر (بیشتر) از جغرافیای فرهنگی تاریخ بشری است و جان های پاک،

پیوسته مشتاق (علاقمند و آرزومند) شنیدن آن هستند.

## ساختمان واژگان:

« دینی : وندی / جهانی : وندی / پیام آور: مرکب / جهانیان: وندی /  
سرشار: مرکب / پیامبر: مرکب / بزرگوار: وندی / مکانی: وندی / روزگار:  
وندی / ویژه ای: وندی / دلنشین: مرکب / فراتر: وندی / فرهنگی: وندی  
/ بشری: وندی / جانها: وندی / پیوسته: وندی / شنیدن: وندی »

## نقش کلمات:

اسلام : نهاد / دینی: مسند / جهانی: صفت - پیام آور: نهاد / آن: مضاف الیه  
/ حضرت محمد(ص): بدل / رحمت: مسند / و: حرف عطف / سعادت :  
معطوف - سخنان: نهاد / سرشار: صفت / حکمت: متمم اسمی / پیامبر:  
مضاف الیه / بزرگوار: صفت / اسلام: مضاف الیه ، / مرز : مفعول مکانی:  
صفت / و رنگ: معطوف / روزگار: مضاف الیه / ویژه ای : صفت - طنین:  
نهاد / دلنشین: صفت / کلام ایشان: مضاف الیه / فراتر : مسند / جغرافیای:  
متمم اسمی / فرهنگی: صفت / تاریخ: مضاف الیه / بشری: صفت - و: حرف  
ربط / جان ها: نهاد / پاک: صفت / پیوسته : قید / مشتاق: مسند / شنیدن:  
مضاف الیه / آن: مضاف الیه / هستند.

پیام پیامبر(ص)، گنجینه و آبشخوری است که انسانیت، همواره برای  
تازگی و شکوفایی و شکوهمندی خود بدان، نیازمند است.

در این درس، بخشی از سفارش پیغامبر اعظم(ص) به « ابوذر» را می خوانیم.

معنی واژگان :

پیام پیامبر(ص)، گنجینه (مخزن) و آبشخوری (سرچشمه ای، آبخور) است که انسانیت، همواره (همیشه) برای تازگی و شکوفایی و شکوهمندی (بزرگی و عظمت) خود بدان، نیازمند است. در این درس، بخشی از سفارش پیغامبر (پیامبر) اعظم (بزرگ، بزرگ تر) (ص) به « ابوذر» را می خوانیم.

ساختمان واژه:

پیامبر: مرکب / گنجینه: وندی / آبشخوری: وندی - مرکب / انسانیت: وندی / تازگی: وندی / شکوفایی: وندی / نیازمند: وندی

نقش کلمات:

پیام: نهاد / پیامبر(ص): مضاف الیه / گنجینه: مسند / و: حرف عطف / آبشخوری: معطوف / است - که انسانیت: نهاد / همواره: قید / برای تازگی: متمم / و: حرف عطف / شکوفایی: معطوف / و: حرف عطف: شکوهمندی: معطوف / خود: مضاف الیه / بدان: متمم اسمی / نیازمند: مسند / است.

در این: صفت / درس: متمم /، بخشی: مفعول / از سفارش: متمم / پیغامبر:

مضاف الیه / اعظم: صفت / به « ابوذر»: متمم / می خوانیم

ای ابوذر، خداوند متعال به سیمای ظاهر و دارایی ها و گفته های تان نمی

نگرد؛ بلکه به دلها و کردارتان می نگرد.

معنای واژگان:

ای ابوذر، خداوند متعال (بلندمرتبه) به سیمای (چهره) ظاهر و دارایی ها

و گفته های تان نمی نگرد؛ بلکه به دلها و کردارتان (اعمال و رفتار تان) می

نگرد.

ساختمان واژگان:

ابوذر: ساده / خداوند: ساده / دارایی ها: وندی / گفته ها: وندی / دلها:

وندی / کردار: وندی

نقش کلمات:

ای ابوذر: منادا / خداوند: نهاد / متعال: صفت / به سیمای: متمم / ظاهر:

مضاف الیه / و: حرف عطف / دارایی ها: متمم / و: حرف عطف / گفته ها:

متمم / تان: مضاف الیه / نمی نگرد؛ به دلها: متمم / و: حرف عطف /

کردار: متمم / تان: مضاف الیه / می نگرد.

آرایه:

دارایی ها: مجاز از اموال و ثروت \* نگرستن به گفته ها: حس آمیزی

ای ابوذر، پنج چیز را پیش از پنج چیز، غنیمت شمار.

جوانی ات را پیش از فرارسیدن پیری، تندرستی ات را پیش از بیماری،

بی نیازی ات را پیش از نیازمندی، آسایش را پیش از گرفتاری و

زندگی ات را پیش از مرگ.

معنای واژگان:

ای ابوذر، پنج چیز را پیش از پنج چیز، غنیمت شمار (با ارزش بدان).

جوانی ات را پیش از فرارسیدن (آمدن) پیری، تندرستی ات (سلامتی

ات) را پیش از بیماری، بی نیازی ات را پیش از نیازمندی، آسایش را

پیش از گرفتاری و زندگی ات را پیش از مرگ.

ساختمان واژگان:

غنیمت: ساده / جوانی: وندی / فرارسیدن: وندی / پیری: وندی /

تندرستی: وندی - مرکب / بیماری: وندی / بی نیازی: وندی / نیازمندی:

وندی / آسایش: وندی / گرفتاری: وندی / زندگی: وندی

نقش کلمات:

ای ابوذر: منادا / ، پنج: صفت / چیز: مفعول / پیش از پنج چیز: قید /  
غنیمت: مسند / شمار: فعل.

جوانی: مفعول / ت: مضاف الیه / پیش از فرارسیدن پیری: قید [ مسند و  
فعل حذف شده است. ] / تندرستی: مفعول / ت: مضاف الیه / پیش از  
بیماری: قید [ مسند و فعل حذف شده است. ] / بی نیازی: مفعول / ت:  
مضاف الیه / پیش از نیازمندی: قید [ مسند و فعل حذف شده است. ] /  
آسایش: مفعول / پیش از گرفتاری: قید [ مسند و فعل حذف شده است. ] /  
زندگی: مفعول / ت: مضاف الیه / پیش از مرگ: قید [ مسند و فعل حذف  
شده است. ]

### آرایه:

تضاد: ( جوانی ، پیری ) ، ( تندرستی ، بیماری ) ، ( بی نیازی ، نیازمندی ) ،  
آسایش ، گرفتاری ) ، ( زندگی ، مرگ ) \* تکرار: پیش از ، ت

ای ابوذر، اگر دربارهٔ چیزی که به آن علم نداری، از تو پرسیده شود،  
بگو نمی دانم تا از پیامدهای ناگوار آن در امان بمانی.

معنای واژگان:



ای ابوذر، اگر درباره چیزی که به آن علم (دانش و آگاهی) نداری، از تو پرسیده شود، بگو نمی دانم تا از پیامد (نتیجه، اتفاق) های ناگوار (ناخوشایند و بد) آن در امان بمانی.

### ساختمان واژگان:

چیزی: وندی / پیامدها: وندی - مرکب / ناگوار: وندی / در امان: وندی

### نقش کلمات:

ای ابوذر: منادا / ، اگر: حرف ربط / درباره: حرف اضافه / چیزی: متمم /  
که: حرف ربط / به: حرف اضافه / آن: متمم / علم: مفعول / نداری - از  
تو: متمم / پرسیده شود: فعل / بگو: فعل / [ که: حرف ربط حذف شده ] /  
نمی دانم / تا از پیامدها: متمم / ناگوار: صفت / آن: مضاف الیه / در امان:  
مسند / بمانی.

ای ابوذر، به اندازه نیاز، سخن بگوی. گشاده روی و خندان باش که  
خدای تعالی، گشاده روی و آسان گیر را دوست دارد.

### معنای واژگان:

ای ابوذر، به اندازه نیاز، سخن بگوی. گشاده روی و خندان باش که  
خدای تعالی (بلندمرتبه)، گشاده روی (خندان) و آسان گیر را دوست  
دارد.

## ساختمان واژه:

گشاده روی: وندی - مرکب / خندان: وندی / آسان گیر: مرکب

## نقش کلمات:

ای ابوذر: منادا / ، به اندازه: متمم / نیاز: مضاف الیه / سخن: مفعول /  
بگوی / گشاده روی: مسند / و خندان: معطوف / باش که خدای تعالی:  
نهاد / ، گشاده روی: مفعول / و آسان گیر: معطوف / را دوست دارد: فعل  
مرکب .

به اندازه نیاز سخن گفتن: کم گوی و گزیده گوی چون در / ...

ای ابوذر، هم نشین نیک بهتر از تنهایی است و تنهایی، بهتر از هم نشین بد  
است. مثل مؤمنان، جمله چون یک تن است؛ چون یک اندام را رنجی  
رسد، همه اندام ها آگاهی یابند و رنجور شوند.

## معنای واژگان:

ای ابوذر، هم نشین نیک بهتر از تنهایی است و تنهایی، بهتر از هم نشین بد  
است.

مثل مؤمنان، جمله (همگی) چون یک تن (بدن) است؛ چون یک  
اندام (عضو، اعضا) را رنجی رسد، همه اندام ها آگاهی یابند و رنجور  
بیمار و دردمند شوند.

## ساختمان واژگان:

هم نشین: وندی / بهتر: وندی / تنهایی: وندی / مؤمنان: وندی / رنجی:  
وندی / آگاهی: وندی / رنجور: وندی

## نقش کلمات:

ای ابوذر: منادا / هم نشین: نهاد / نیک: صفت / بهتر: مسند / از تنهایی:  
متمم اسمی / است و: حرف ربط / تنهایی: نهاد / بهتر: مسند / از هم نشین:  
متمم اسمی / بد: صفت / است: مثل: نهاد / مؤمنان: مضاف الیه / جمله:  
قید / چون یک تن: متمم مسندی / است: چون: حرف ربط / یک اندام:  
مفعول / را رنجی: نهاد / رسد، همه اندام ها: نهاد / آگاهی: مفعول /  
یابند و رنجور: مسند / شوند.

آرایه: تشبیه: مثل مؤمنان مانن مثل یک تن است.

مفهوم: مثل مؤمنان... = بنی آدم اعضای یک پیکرند / که در آفرینش ز

یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار / دگر عضوها

را نماند قرار

ای ابوذر، مبادا با برادر مسلمانان قهر کنی؛ زیرا کردار شایسته در هنگام قهر، به درگاه پروردگار پذیرفته نمی شود.

مؤمن برای رهایی از گناه و نافرمانی، بیش از گنجشک در قفس، تلاش می کند.

### معنای واژگان:

ای ابوذر، مبادا با برادر مسلمانان قهر کنی؛ زیرا کردار (رفتار) شایسته در هنگام قهر، به درگاه (پیشگاه) پروردگار پذیرفته نمی شود. مؤمن برای رهایی از گناه و نافرمانی، بیش از گنجشک در قفس، تلاش می کند.

### ساختمان واژگان:

کردار: وندی / شایسته: وندی / درگاه: ساده(?) / پروردگار: وندی / پذیرفته: وندی / رهایی: وندی / نافرمانی: وندی

### نقش کلمات:

ای ابوذر: منادا / مبادا: شبه جمله / با برادر: متمم / مسلمانان: مضاف الیه / قهر کنی: فعل مرکب / ؛ زیرا: حرف ربط / کردار: نهاد / شایسته: صفت / در هنگام قهر: متمم قیدی / ، به درگاه پروردگار: متمم قیدی / پذیرفته: مسند / نمی شود.

مؤمن: نهاد / برای رهایی: متمم / از گناه: متمم اسم / و نافرمانی: معطوف / ، بیش از گنجشک در قفس: قید / ، تلاش: مفعول / می کند: فعل در معنای انجام دادن )

## خودارزیابی

۱. منظور از جمله « خداوند به دل ها و کردارتان می نگرد.» چیست؟

باطن افراد از ظاهرشان مهم تر و باارزش تر است زیرا ملاک اصلی هر کاری نیت قلبی و باطنی است نه ظاهر کار.

۲. این درس را با درس ششم ( آداب زندگانی) مقایسه کنید و شباهت های آن را توضیح دهید.

هر دو به مفاهیم کلیدی زندگی یعنی آداب گفتار و کردار اشاره دارند و آن را یک ارزش اخلاقی می دانند و نکوهش پرگویی و پرداختن به سنجیده گویی و کم گویی و خوب حرف زدن اشاره کرده اند.

۳. بیت زیر با کدام بخش درس، ارتباط دارد؟

کمال است در نفس انسان سخن  
تو خود را به گفتار ناقص  
مکن

(بوستان

سعدی)

معنای بیت: سخن و حرف زدن در وجود انسان باعث کمال و بلندمرتبگی است پس تو نیز مواظب باش و با سخن خود را ناقص و بی ارزش نکن. ( استفاده درست و به جا از سخن )

تا مرد سخن نگفته باشد / عیب و هنرش نهفته باشد. ( سخن باعث کمال و

پیشرفت می شود پس مواظب باش با هر سخنی خود را ناقص نکنی. )

ای ابوذر ، سخنان بیهوده بر زبان میاور و به اندازه نیاز سخن بگوی.

۴.

### حکایت سیرت سلمان

سلمان فارسی بر لشکری امیر بود. در میان رعایا چنان حقیر می نمود که

وقتی خادمی به وی رسید ، گفت: این توبره کاه بردار و به لشکرگاه

سلمان بر. چون به لشکرگاه رسید ، مردم گفتند: امیر است. آن خادم

بترسید و در قدم وی افتاد. سلمان گفت: به سه وجه ، این کار را از برای

خودم کردم، نه از بهر تو، هیچ اندیشه مدار. اول آنکه تکبر از من دفع

شود؛ دوم آنکه دل تو، خوش شود؛ سوم آنکه از عهده حفظ رعیت،

بیرون آمده باشم. روضه خلد، مجد خوافی

### معنای واژگان:

حکایت سیرت ( خلق و خو) سلمان

سلمان فارسی بر لشکری امیر ( فرمانده، رئیس) بود. در میان رعایا (

مردمان عادی، عموم مردم) چنان حقیر ( کم ارزش، کوچک ، فرودست

) می نمود ( نشان می داد، به نظر می رسید) که وقتی خادمی (

خدمتکاری) به وی رسید ، گفت: این توبره ( کیسه بزرگ) کاه (خشک

شده محصولات بدون هسته یا دانه ( بردار و به لشکرگاه (محل سپاه و لشکر) سلمان بر. چون به لشکرگاه رسید ، مردم گفتند: امیر است. آن خادم بترسید و در قدم وی افتاد. (به پای او افتاد) سلمان گفت: به سه وجه (صورت، علت) ، این کار را از برای خودم کردم، نه از بهر (برای) تو، هیچ اندیشه (ترس) مدار. اول آنکه تکبر (غرور و خودبینی) از من دفع (دور، طرد) شود؛ دوم آنکه دل تو، خوش شود؛ سوم آنکه از عهده (مسئولیت) حفظ رعیت (مردم) ، بیرون آمده باشم. روضه (باغ) خلد (جاودان، بهشت) ، مجد (بزرگی) خوافی

**ساختمان واژگان:** حکایت: ساده / فارسی: وندی / لشکری: وندی / رعایا: ساده / خادمی: وندی / توبره: ساده / لشکرگاه: وندی / اندیشه: وندی / رعیت: ساده

**نقش کلمات:** سلمان فارسی: نهاد / بر لشکری: متمم / امیر: مسند / بود. / در میان رعایا: قید / چنان: قید / [مفعول: حذف شده] حقیق: مسند / می نمود / که وقتی: قید / خادمی: نهاد / به وی: متمم / رسید، گفت / این: صفت / توبره: مفعول / گاه: مضاف الیه / بردار / و به لشکرگاه: متمم / سلمان: مضاف الیه / بر: فعل / چون: حرف ربط / به لشکرگاه: متمم / رسید / مردم: نهاد / گفتند / امیر: مسند / است / آن: صفت / خادم: نهاد / بترسید / و در قدم: متمم / وی: مضاف الیه / افتاد / می توان فعل کنایی / مرکب هم گرفت / سلمان: نهاد / گفت: به سه وجه: متمم ، این کار: مفعول / را از برای خودم :: متمم / کردم: فعل در معنای انجام دادن / ،

نه از بهر تو: متمم / هیچ: قید / اندیشه مدار: فعل کنایی / .اول آنکه تکبر:

نهاد / از من: متمم / دفع: مسند / شود: دوم آنکه دل تو: نهاد /، خوش:

مسند / شود: سوم آنکه [نهاد: محذوف] از عهده: متمم / حفظ: مضاف الیه

/ رعیت: مضاف الیه /، بیرون آمده باشم: فعل

مفهوم: در قدم وی افتاد: کنایه از التماس کرد\* هیچ اندیشه مدار: اصلاً

نترس / تکبر از من دفع شود: غرور از من دور شود/از عهده حفظ رعیت

بیرون آمده باشم: مسئولیت مراقبت و حفاظت مردم و زیردستان را انجام

داده باشم.

واژگان و گروه کلمات املائی مهم:

نردبان عقل و احساس - حدیقه سنایی - سعادت و خوش بختی - طنین

زیبای پیغامبر - آبشخور حکمت - ابوذر مسلمان - سیما و چهره ظاهر -

غنیمت و مغنم - مثل مؤمنان - قهر و آشتی - خطبه و وصیت - وصایا و

سفارش ها - رعایای حقیر - توبره بزرگ کاه - عهده و مسئولیت - حفظ

رعیت - روضه خلد مجد خوافی

جیغ بنفش - صدای گرم

حس آمیزی: آرایه ای است که در آن دو حس مختلف در کنار هم می آیند و یا یک

واژه با حس غیرمرتبط به کار می رود. از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر

یادگاری که در این گنبد دوار بماند.



## انواع فعل:

۱. ماضی ساده = بن ماضی + شناسه = رفت + م = رفتم
۲. ماضی استمراری = می + ماضی ساده = می + رفتم = می رفتم
۳. ماضی مستمر = داشت + شناسه + ماضی استمراری = داشتم می رفتم
۴. ماضی بعید = صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + بود + شناسه = رفته بودم
۵. ماضی نقلی = صفت مفعولی + ام ، ای ، است ، ایم ، اید ، اند = رفته ام
۶. ماضی التزامی = صفت مفعولی + باش + شناسه = رفته باشم
۷. مضارع التزامی = ب + بن مضارع + شناسه = بروم
۸. مضارع اخباری = می + بن مضارع + شناسه = می روم
۹. مضارع مستمر = دار + شناسه + مضارع اخباری = دارم می روم
۱۰. مستقبل (آینده) = خواه + شناسه + بن ماضی = خواهم رفت

شناسه ها = م / ی / د / یم / ید / ند

صفت مفعولی = بن ماضی + ه = رفته



نکته: گاهی قبل از فعل ماضی ساده «ب» می آید این «ب» نشانه ی تاکید است. مثال:

رفت = برفت = برود

نکته ۲: همی در ابتدای فعل به جای «می» به کار می رفته است.

همی رفتم = می رفتم = ماضی استمراری

همی روم = می روم = مضارع اخباری

چند تست از تست های درس دوازدهم (دوستانی که در ۸ دقیقه به ۱۰ سوال

پاسخ دهند ۲۰ هزار تومان جایزه می گیرند.)

۱- کلمات داده شده در کدام گزینه به درستی معنا شده اند؟ (پیامد- رعایا- وجه)

۱) واکنش- عموم مردم- راه ۲) نتیجه- مردم فرمانبردار- قصد ۳) نتیجه- فقرا- صورت ۴) انجام- عموم مردم- اساس

۲- معنای «آبخور» در بیت «یکی راه بگشای تا بگذرم/ به جایی که کرد ایزد، آبخورم» چیست؟

۱) نصیب ۲) سرچشمه ۳) قسمت ۴) روزی

۳- ساخت و زمان کدام فعل با بقیه متفاوت است؟

۱) می پوشید ۲) می گفتید ۳) می دوید ۴) می رسید

۴- در کدام گزینه، همه ی ترکیبات وصفی هستند؟

۱) هم نشین بد- هنگام قهر- برادر مسلمان  
۲) سفارش پیامبر- خداوند متعال- مشتاق شنیدن

۳) کردار شایسته - جغرافیای فرهنگی - توبره سنگین (۴) هم نشین نیک -  
دین جهانی - پیام آور رحمت

۵- ساختمان کدام واژه با بقیه متفاوت است؟

۱) گرفتار (۲) خندان (۳) آسان گیر (۴)  
گوش

۶- کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

۱) جوانی (۲) پیری (۳) بی نیازی  
(۴) فنی

۷- آرایه مقابل کدام گزینه نادرست است؟

۱) سخنان سرشار از حکمت پیامبر (ص) مرز جغرافیایی و رنگ روزگار  
ویژه‌ای ندارد. (کنایه)

۲) پیام پیامبر (ص) گنجینه و آبشخوری است که انسانیت، همواره بدان  
نیازمند است. (تشبیه)

۳) مومن برای رهایی از گناه، بیش از گنجشک در قفس تلاش می کند.  
(مراعات نظیر)

۴) یک روز، ناگهان از آسمان آتش بارید. (تشخیص)

۸- کدام گزینه ساختمان متفاوتی دارد؟

۱) پیامدها (۲) تندرستی (۳) هماهنگی ها (۴) گشاده  
رو

۹- ارتباط معنایی کدام گزینه با سایرین کمتر است؟

۱) زیبایی به خوش سیرتی است، نه به خوش صورتی

۲) صبر کن ای دل که صبر سیرت اهل صفاست چاره عشق احتمال ،  
شرط محبت وفاست

۳) تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست  
نشان آدمیت

۴) اگر هوشمندی به معنی گرای  
به جای  
که معنی بماند نه صورت

۱۰- کدام گزینه وابستهٔ پسین از نوع صفت بیانی وجود دارد؟

۱) شور زندگی یکبار دیگر مردان را به خرمشهر کشاند.

۲) جوانی او در شهر آسمانی خرمشهر مانده است.

۳) اینجا کربلاست و ما همه با یزیدی‌ها می‌جنگیم.

۴) گفت: این توبرهٔ کاه بردار و به لشکرگاه سلمان بر.

۱- کلمات داده شده در کدام گزینه به درستی معنا شده‌اند؟ (پیامد - رعایا - وجه)

۱) واکنش - عموم مردم - راه (۲) نتیجه - مردم فرمانبردار - قصد (۳)  
نتیجه - فقرا - صورت (۴) انجام - عموم مردم - اساس

۲- معنای «آبخور» در بیت «یکی راه بگشای تا بگذرم/ به جایی که  
کرد ایزد، آبخورم» چیست؟

۱) نصیب (۲) سرچشمه (۳) قسمت (۴) روزی

۳- ساخت و زمان کدام فعل با بقیه متفاوت است؟

۱) می پوشید (۲) می گفتید (۳) می دوید (۴)  
می رسید

۴- در کدام گزینه، همه‌ی ترکیبات وصفی هستند؟

۱) هم‌نشین بد - هنگام قهر - برادر مسلمان  
خداوند متعال - مشتاق شنیدن  
۲) سفارش پیامبر -

۳) کردار شایسته - جغرافیای فرهنگی - توبره سنگین (۴) هم نشین نیک -  
دین جهانی - پیام آور رحمت

۵- ساختمان کدام واژه با بقیه متفاوت است؟

۱) گرفتار (۲) خندان (۳) آسان گیر (۴) گویش

۶- کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

۱) جوانی (۲) پیری (۳) بی نیازی (۴) فنی

۷- آرایه مقابل کدام گزینه نادرست است؟

۱) سخنان سرشار از حکمت پیامبر (ص) مرز جغرافیایی و رنگ روزگار  
ویژه‌ای ندارد. (کنایه)

۲) پیام پیامبر (ص) گنجینه و آبشخوری است که انسانیت، همواره بدان  
نیازمند است. (تشبیه)

۳) مومن برای رهایی از گناه، بیش از گنجشک در قفس تلاش می کند.  
(مراعات نظیر)

۴) یک روز، ناگهان از آسمان آتش بارید. (تشخیص)

۸- کدام گزینه ساختمان متفاوتی دارد؟

۱) پیامدها (۲) تندرستی (۳) هماهنگی ها (۴) گشاده  
رو

۹- ارتباط معنایی کدام گزینه با سایرین کمتر است؟

۱) زیبایی به خوش سیرتی است، نه به خوش صورتی

۲) صبر کن ای دل که صبر سیرت اهل صفاست چاره عشق احتمال،  
شرط محبت وفاست

۳) تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست  
نشان آدمیت

۴) اگر هوشمندی به معنی گرای  
به جای  
که معنی بماند نه صورت

۱۰- کدام گزینه وابستهٔ پسین از نوع صفت بیانی وجود دارد؟

۱) شور زندگی یکبار دیگر مردان را به خرمشهر کشاند.

۲) جوانی او در شهر آسمانی خرمشهر مانده است.

۳) اینجا کربلاست و ما همه با یزیدی‌ها می‌جنگیم.

۴) گفت: این توبرهٔ کاه بردار و به لشکرگاه سلمان بر.

درس سیزدهم: تحلیلگر: بانو محمدی نسب

تشکر از تدریس خوب ایشان

□ □ □ قیصر امین پور :

متولد اردیبهشت ماه ۱۳۳۸ در گتوند خوزستان است. در سال ۱۳۸۲ به عنوان عضو  
منتخب فرهنگستان زبان و ادب فارسی انتخاب شد.

وی اولین مجموعه شعرش را با عنوان «تنفس صبح» که بخش عمده آن غزل و چندین  
قطعه شعر بود منتشر کرد. دومین مجموعه ایشان «در کوچه آفتاب» نام دارد.

منظومه «ظهر روز دهم» یک منظومه ۲۸ صفحه‌ای است که ظهر عاشورا و غوغای  
کربلا و تنهایی عشق را توصیف می‌کند.